هفته نامهٔ

وآنان که در راه‌ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

همکاری های استراتژیک آمریکا و افغانستان در بحث مجلس مشورتی
چند ملاحظه و چند پیشنهاد ص ۲

گفتند و شنیدیم ص ۶

تأملی پیرامون همکاری استراتژیک آمریکا و افغانستان ص ۳

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۷ | چهارشنبه ۲۱ ثور ۱۳۸۴ | ۲ ربیع الثانی ۱٤۲۶ – 11 May 2005

مجلس بزرگ مشورتی حضور نیروهای ائتلاف و ناتو را به بحث گرفت

به روز یکشنبه در تالار سلام خانهٔ قصر ریاست جمهوی مجلسی بزرگ زیر نام شورای مشورتی ملی مردم افغانستان برگزار شد.

در این مجلس به دعوت رئیس جمهور آقای کرزی، در حدود هزار نفر گردهم آمده بودند. شرکت کنندگان این مجلس را برخی از اعضای لویه جرگه های اضطراری و تصویب قانون اساسی و شماری از کسان به عنوان بزرگان و اعضای کابینه می ساخت.

در این مجلس مسائلی مانند دوام همکاری های سازمان ملل متحد و حضور نیروهای ائتلاف و ناتو در افغانستان مورد بحث قرار گرفت.

اعضای مجلس بیشترینه پیش از آغاز جلسهٔ رسمی مجلس از آجندای آن اطلاعی کافی نداشتند و آنان غالباً یک روز پیش بدون توضیح و تبیین موضوعات مورد بحث در این مجلس توسط والیان ولایات به کابل فراخوانده شده بودند. جلسهٔ مجلس قرار بود به ساعت ۹ صبح آغاز شود که پس از ساعت ۱۰ آغاز شد و تا ساعت یک ظهر در پشت دروازه های بسته به دور از انظار ژورنالیستان ادامه یافت.

آقای علی احمد جلالی وزیر داخله گردانندگی جلسه را به عهده داشت. آقای رئیس جمهور حضرت صبغت الله مجددی و استاد سیاف و پیر سیداحمد گیلانی و قانونی ومحقق به عنوان سخنرانان اصلی، سخنانی ایراد کردند ص۸



ثبت نام کاندیداها برای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی ادامه دارد

در حالی که دو هفته از جریان ثبت نام کاندیداهای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی می گذرد، تعداد زنان در سطح پایین قرار دارد. دفتر مشترک تنظیم انتخابات نگرانی خود را در زمینه بیان داشته است.

در کنفرانسی مطبوعاتی که روز ۱۹ ثور برگزار گردید، مومنه یاری عضو این کمیسیون در مورد تعداد کاندیداها گفت: از جمله صد و بیست و چهار کرسی که در شوراهای ولایتی به زنان اختصاص یافته است، تا حال صرف پنج زن ثبت نام کرده است.

آقای بسم الله بسمل رئیس دفتر مشترک انتخابات گفت که برای انتخابات شوراهای ولایتی در سراسر کشور ۴۲۰ کرسی در نظر گرفته شده است که تا حال ۲۰۰ تن خود را کاندیدا کرده اند.

همچنان آقای سلطان احمد بهین سخنگوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات در مورد رقم کاندیداها گفت: تعداد کسانی که برای انتخابات پارلمانی تا عصر سه شنبه ۲۰ ثور ثبت نام کرده اند ۱۰۳۰ نفر می باشد و قرار است حدود ده هزار نفر در سراسر کشور برای انتخابات ولسی جرگه خود را کاندیدا نمایند.

ثبت نام کاندیداهای انتخابات پارلمانی که قرار است در ۲۷ سنبلهٔ سال روان برگزار شود در ۱۰ ثور آغاز گردیده است و تا ۲۹ این ماه ادامه خواهد یافت.

مجلس بزرگ یکروزه و پشت پردهٔ آن! ص ۲

په زابل کي اولس طالب جنګيالي ووژل شول

د باوري خبري سرچينو په وينا په دي وروستيو کي کڼ شمير طالب جنګيالي د افغانستان د ملي اردو د خواکونو له خوا وژل شوي او نيول شوي دي، د ملي دفاع دوزارت د خبري سرچينو په وينا نه تنه وسله وال طالبان د ننګرهار په ولايت کي د ملي اردو د ځواکنو د عملياتو په نتيجه کي نيول شوي دي.

بلخوا د نوموړي سرچينو په وينا د زابل په ولايت کي اولس تنه طالب جنګيالي د ملي اردو له سرتيرو سره ديوه يل بريد په ترڅ کي وژل شوي او شپږ تنه نور ټپيان شوي دي طالبان ادعا لري چي په دغه بريد کي اته تنه د ملي اردو سرتيري هم وژل شوي دي.

حامد کرزی به سفر اروپا رفت

حامد کرزی رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان با هیأت همراهش روز دو شنبه ۱۹ ثور عازم بلجیم و فرانسه شد.

در این سفر شماری از اعضای کابینه و وزیران مشاور، حامد کرزی را همراهی می کنند.

آقای حامد کرزی روز سه شنبه ۲۰ ثور با رئیس پارلمان جامعهٔ اروپا ملاقات کرد. وی در این ملاقات از مساعدت های جامعهٔ اروپا ابراز سپاس نمود و از جامعهٔ اروپا خواست تا کمک های خود را در امر بازسازی افغانستان تا زمانی ادامه دهد که افغانستان متکی به خود گردد. همچنان رئیس جامعهٔ اروپا از ادامهٔ کمک ها به افغانستان اطمینان داد.

قرار است رئیس جمهور ملاقات هایی را با مقامات این کشور ها نیز انجام دهد.

براساس گزارش رادیو بی.بی.سی، آقای کرزی قرار است پس از ختم سفرش در جامعهٔ اروپا به امریکا برود.

مسایل مورد بحث در پارلمان اروپا و امریکا همکاری استراتژیک اقتصادی و حضور نظامی نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا در افغانستان خواهد بود. حامد کرزی یک روز قبل از این سفر خود مجلس بزرگ مشوتری را برپا داشت تا با دستیابی به نتایج مشخصی دربارهٔ مسائل همکاری های استراتژیک میان افغانستان و آمریکا در این سفر دست آویزی داشته باشد، اما این جلسهٔ مشورتی تصامیم مشخصی در این زمینه در پی نداشت.

انفجار در شهر کابل

در اثر انفجار در یک کلپ انترنتی در شهر نو کابل سه نفر هلاک و شش نفر دیگر مجروح شدند انفجار، ساعت پنج و سی عصر روز شنبه ۱۷ ثور هنگامی رخ داد که تعدادی از جوانان که درمیان آنها سه تن خارجی نیز موجود بود، مشغول کار در کمپیوتر بودند. این کلپ در کنار مهمانخانه یی قرار دارد که محل اقامت شهروندان خارجی می باشد. یک منبع حوزهٔ چهارم امنیتی در مورد این حادثه گفت: این یک حملهٔ انتحاری بوده که تا هنوز کسی به اتهام این حادثه گرفتار نگردیده است. معاون قوماندانی امنیهٔ ولایت کابل گفت: در این حادثه سه تن تحت بازپرس پلیس قرار دارند اما این بدان معنی نیست که آنها در این قضیه متهم باشند. به گفتهٔ معاون قوماندان امنیهٔ ولایت کابل یک تن از هلاک شدگان، شهروند برما می باشد که در یکی از مؤسسات وظیفه اجرا می کرد. دو تن از کشته شدگان، حمله کنندگان انتحاری می باشند.



اما لطف الله مشعل سخنگوی وزارت داخله، انتحاری بودن این حمله را قبل از وقت دانست و گفت که دو مقتول دیگر، افغان بودند.

شصت سال پس از پایان جنگ جهانی دوم



هتلر بعد از اشغال پاریس ص ۳

آدرس مجاهد در اینترنت

Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357 @Yahoo.com

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

همکاری های استراتژیک آمریکا و افغانستان در بحث مجلس مشورتی

چند ملاحظه و چند پیشنهاد

از چندی بدین سو به مناسبت های گونه گون مسألهٔ همکاری های استراتژیک ایالات متحدهٔ آمریکا و افغانستان مطرح می شود، این همکاری های استراتژیک در دید بسیاری از صاحب نظران مسائل افغانستان به مفهوم ایجاد پایگاه های دایم نظامی ایالات متحدهٔ آمریکا در افغانستان است. هرچند رئیس جمهوری اسلامی افغانستان پایگاه های نظامی را به مثابهٔ گاراژ خوانده و آن را کم اهمیت تلقی کرده و گفته است ما خواهان همکاری های فراتر از ایجاد پایگاه های نظامی از ایالات متحدهٔ آمریکا هستیم، همکاری هایی استراتژیک که امنیت و ثبات و شگوفایی اقتصاد افغانستان را در آینده تضمین کند.

دولت افغانستان دست به تلاش هایی زده است تا افکار عمومی را برای پذیرش و قانونمند کردن این خواست خویش آماده کند.

یکی از تلاش های دولت در این راستا همایشی بزرگ به نام "مجلس مشورتی مردم افغانستان" بود که به فرا خواندن رئیس جمهور به روز یکشنبه در تالار سلام خانهٔ قصر ریاست جمهوری برگزار گردید.

در این همایش در حدود هزار نفر از سراسر افغانستان از اعضای لویه جرگه های اضطراری و تصویب قانون اساسی و کسانی به نام بزرگان مردم و اعضای کابینه شرکت ورزیدند.

برگزاری این همایش از سوی دولت برای به بحث گذاشتن یک چنین مسأله یی مهم گامی مثبت در جهت مشارکت دادن مردم در قضایای سرنوشت کشور تلقی می شود. هرچند برگزاری این همایش برای به بحث گرفتن مسأله یی مهم مانند همکاری های استراتژیک میان افغانستان و ایالات متحدهٔ آمریکا از ترتیبات و مقدمات لازم برخوردار نبود.

اعضای لویه جرگه های اضطراری و تصویب قانون اساسی و همچنان کسانی دیگر که به نام بزرگان مردم از ولایت بدین همایش فرا خوانده شده بودند هیچ کدام دارای جایگاهی حقوقی نیستند تا بتوانند در چنین موضوعی بسیار مهم تصمیم بگیرند. چون اعضای این دو لویه جرگه برای انجام کارهایی مشخص از سوی مردم موظف شده بودند که با انجام آنها ماموریت آنان نیز پایان یافته است و همچنان هیچ کسی دیگر بدون انتخاب و توکیل مردم نمی تواند در هیچ امری از آنان نمایندگی کند. این مسأله از ابجدیات نظام دموکراسی است که دولت ما مدعی تطبیق ارزشهای آن است.

کسانی که به این همایش دعوت شده بودند از پیش از آجندای موضوعات مورد بحث رسماً آگاهی نداشتند، لذا بیشتر آنان آمادگی ذهنی و روانی برای پرداختن به این موضوع را نداشتند. با این حجم بزرگ اشتراک کنندگان وقت تعیین شده برای طرح و بحث مسألهٔ بسیار اندک بود، به حدی که نه تنها برای مشارکت همهٔ شرکت کنندگان مجال ابراز نظر نبود بلکه برای کسانی که به عنوان نمایندگان ولایات یک نفر از هر ولایت از پیش تعیین شده بودند تا در این باره سخن بگویند نیز این وقت تعیین شده ـ دو دقیقه برای هر کس ـ ناکافی بود.

اگرچه این مجلس چنان که رئیس جمهور در سخنانش بدان تأکید ورزید از صلاحیت تصمیم گیری در بارهٔ این مسأله بهره مند نبود، وتصمیم گیری در بارهٔ همکاری های استراتژیک افغانستان با آمریکا و ناتو را به دلیل بیرون بودن از حیطهٔ صلاحیتش به پارلمان آینده واگذار کرد اما به دلائلی که در بالا بدانها اشارت شد این همایش مسألهٔ همکاری های استراتژیک با آمریکا را به گونهٔ شفاف و همه گیر نیز نتوانست مورد بررسی قرار دهد، کاری که به عنوان گفتگوی ملی در این زمینه باید از همین جا آغاز می شد.

ما به این باور هستیم مسائل مهم ملی از این قبیل نباید در پشت دروازه های بسته و با شتابزدگی و ابهام آمیختگی مورد بحث و فیصله قرار گیرد. هر قدر در این زمینه با شفافیت و روشنی برخورد صورت گیرد و به عنوان یک مسألهٔ ملی به گستردگی مطرح شود وپهلوهای مختلف آن از دیدها و زاویه های گونه گون مورد بررسی قرار گیرد، به همان اندازهٔ تصمیمات بعدی دربارهٔ آن سودمند تر و از گزند و آسیب پذیری مصون تر خواهد بود.

اما هر قدر درباره مسائلی مانند مسألهٔ همکاری های استراتژیک با شتابزدگی و ابهام آمیختگی و ترددستی و به دور از قناعت ملی تصمیم گرفته شود به همان پیمانه فیصله درباره آن شکننده و نا پذیرفتنی [illegible] خواهد بود.

مجلس بزرگ یکروزه و پشت پردهٔ آن!

محمد نسیم فقیری

فقط یک یا دو روز قبل از برگزاری مجلس بزرگ یک روزه، خبر آن به صورت غیر رسمی در سطح بسیار محدود پخش گردید وحتی اشتراک کنندگان آن نیز آگاهی قبلی نداشتند و پس از پایان مجلس در سرویس اخبار تلویزیون چیزی در مورد آن گفته نشد و روز بعد خبرها و تبصره ها درمورد آن به نشر رسید. ولی با این هم، هنوز اکثر مردم افغانستان از برگزاری این مجلس و نتایج آن اطلاع ندارند.

گفتنی است که به نمایندگان رسانه ها اجازهٔ ورود به این مجلس داده نشده بود. رئیس جمهور قصد داشت تا در آستانهٔ سفر به اروپا و امریکا در مورد مسألهٔ مهم موجودیت دراز مدت نیروهای آیساف و ائتلاف و خبر جنجال بر انگیز احداث چندین پایگاه نظامی امریکا در خاک افغانستان با نمایندگان مردم مشورت نماید تا در مذاکرات خویش با طرف های اروپایی و امریکایی، نه از جانب خود دولت بلکه نظر نمایندگان مردم را منعکس سازد.

آگاهان به این باورند که رئیس جمهور با هوشیاری تمام قصد داشت تا در این مورد بسیار مهم و تاریخی به تنهایی تصمیم نگیرد و احتمال دارد که با در نظر داشت تجارب تلخ گذشته، از پذیرش مسؤولیت حضور نیروهای خارجی شانه خالی نماید و یا خود به احداث پایگاه های نظامی امریکا راضی نباشد وبهتر بداند تا جواب را نمایندگان بدهند!

برخی به این باورند که مجلس مذکور دارای مشروعیت قانونی نبود وچنین چیزی در قانون اساسی کشور پیش بینی نشده است. زیرا:

۱- اعضای لویه جرگهٔ قانون اساسی فقط برای تصویب قانون

اعضای لویه جرگهٔ قانون اساسی فقط برای تصویب قانون مذکور از طرف مردم نمایندگی داشتند وبس و با تصویب قانون اساسی در پایان یافته است

مذکور از طرف مردم نمایندگی داشتند وبس و با تصویب قانون اساسی در ۱۴ جدی ۸۳ ماموریت و وکالت آنان پایان یافته است.

۲- از هر ولایت ده نفر موسفید، معلوم نیست که طبق کدام معیارها گزیده شده اند؟

۳- در مورد مسائل مهمی چون حضور نیروهای خارجی و احداث پایگاه های نظامی، شورا و مشورت یکروزه کافی نیست وباید طی سه روز در مورد آن بحث و مذاکره گردد، اما برخی دیگر آن را در حیطهٔ صلاحیت های رئیس جمهور می دانند؛ زیرا مطابق به احکام قانون اساسی رئیس جمهور می تواند در مورد مسائل مهم به آرای عمومی مردم مراجعه نماید و برگزاری مجلس مذکور یکی از شیوه های مراجعه به آرای مردم از طریق نمایندگان شان است. ولی آنچه در مجلس یاد شده گذشت و یا به صورت مشوره به رئیس جمهور داده شد، به همه حال تأکید بر حضور نیروهای بین المللی کمک به امنیت تا زمان آموزش، تجهیز و آمادگی اردوی ملی و پلیس ملی برای استقرار امنیت و طرح موضوع پایگاه های نظامی در پارلمان آیندهٔ کشور است.

څه وشول او څه کېږي؟

ش ـ الکوزي

خلک وائي چې د لنډ مهال او انتقالي دولت په تیرو دریو کالو کې دهیواد د بیا جوړونې او اداري په برخه کې چې کومه ستراتیژي او پالیسي وکارول شوه دهغې په نتیجه کې د خلکو د عمومي شتمنیو د لوټ تالان لپاره ته لاره خلاصه شوه او پابله نې داوه چې بنسټیزې زېر بناوې او داسې پروژې تر لاس لاندې ونه نیول شوې چې زموږ په ملیونو بیکارو خلکوته په کې د کار روزګار لاره خلاصه شي.

ددغه راز ارزیابی له مخې اوس زموږ خلک حق لري چې په مستقیم او یا غیر مستقیم ډول په دولت باندې فشار راوړي او پوښتنه ترې وکړي چې په تیرو دریو کالو کې ددغه جنګ ځپلي ولس د ژوند د سطحې د اوچتولو لپاره نې څه کړي او په راتلونکي کې به څه وکړي؟

خلکو ولسمشر ته ددې لپاره رائې ورکړي او دهغه ملاتې وترله چې دوې ورته په خپله انتخابي برنامه کې دښه ژوند د برابرولو دسولې او امن د نیکبختۍ او دهیواد د بیا رغاونې او دهیوادوالو د فرد فرد لپاره د هوسا او سوکاله ژوند د برابرولو وعده ورکړي وه خو موږ وینو چې په تیرو نژدې اتو میاشتو کې چې د یاملرنې ور مو ده ده د محترم کرزي صاحب د ژمنه شویو کارونو څخه نې یوه کمه فیصدي هم سرته و نه رسیدل، اوس هم لاپه دولت کې بل دولت یعني شخصي انجوګانې د خلکو په نامه دبهرنیو مرستندویانو مرسته شوې پیسې لوټوي، لا اوس هم په دولتي اداروکې بډې، اختلاس، سازش او په لسګونو نور اداري فسادونه روان دي لا اوس هم د کرزي صاحب کابینې د خپلو ور سپارل شوېو چارو د سرته

د محترم کرزي صاحب د ژمنه شویو کارونو څخه ئي یوه کمه فیصدي هم سرته و نه رسیدل، اوس هم لاپه دولت کي بل دولت یعني شخصي انجوګاني د خلکو په نامه دبهرنیو مرستندویانو مرسته شوي پیسې لوټوي

رسولو لپاره رنه او کټوره ستراتیژي نه ده غوره کړې.

دا ویره او ډار موجود دی چې کې بیا به هم د بهرنیو ژیاته برخه مرسته شوې پیسې د هیواد په بیارغاونه او دخلکو د سترو ارتیاو په پوره کولو ونه لګیږي بیا به هم د تیرو دریو کلونو په [illegible] [illegible] ورانده کړي، د دله پیزو رسنیو له لارې له ژورنالیستانو سره په خپلو مرکو کې د ملت خلکو ته قناعت ورکړي چې پیسې بې ځایه نه دي لګول شوي او په داسې چارو مصرف شوي چې بنیادي او اقتصادي ارزښت لري

موږ راتلونکي پنځه کلونه د محترم کرزي او دهغه د کابینې د وزیرانو لپاره د ستر ازمایښت دوران بولو سږ کال د بهرنیو دوستانو له خوا موږ ته د تیر کال په پرتله څو برابره مرسته په پام کې نیول شوې او خلک هیله من دي چې دغه میلونونه ډالرو، نه د بیلابیلو انجوګانو د مالکانو په جیبونو کې ولوېږي او نه هم دلوړ پوړیو چارواکیو د ډالري معاشونو، ډالري سفرېو او د دسترخوان د نعمتونو د پوره کولو خرچه او لګښت شي

زموږ په میلیونونو بې کاره خلک له دولت څخه د خپل ژوند دتامین په خاطر اقتصادي زېربناوې غواړي، زموږ په میلونو کونډې او یتیمان خالته د معیشت امکانات غواړي، ناروغان روغتیالي کلینکونه او روغتونونه غواړي، کډوال د استوګنې کورونه او بیړنې مرستې غواړي، کلیوال په خپلو کلیوکې د څښلو اوبه، سړک کلینک، د اوبو لګولو د سیستمونو اصلاح، پل او پلچک، بندونه او کاریزونه غواړي [illegible]

تأملی پیرامون همکاری استراتژیک آمریکا و افغانستان

حامد بهروز

بعد از آمدن اخیر رامسفلد وزیر دفاع ایالات متحدهٔ امریکا به افغانستان موضوع ایجاد پایگاه های نظامی و همکاری های استراتژیک آن کشور به افغانستان در رسانه ها بیشتر مطرح شد و بررسی این همکاری ها با دو رویکرد و در دو خط مورد بحث و کنکاش قرار گرفت که برخی ها آن را تنها گام مطمئن برای تأمین ثبات و استقرار امنیت وتوسعه وانمود کردند وبرخی هم به کالبد شگافی آن در مقیاس های کلان تری پرداخته اند که در این نوشتار با همین رویکرد دومی خواهیم اثرات این گام جدید دولت مردان کشور را به بحث بگیریم. پیش از همه باید گفت که تلاش در راستای تأمین منافع در همه سطوح فردی، گروهی و دولتی از جملهٔ اصولی است گره خورده با سرشت و طبیعت انسان از همان آغاز آفرینش آن می باشد که نادیده گرفتن آن مخالف هرگونه عقل و منطق تلقی گردیده است.

اما این اصل در دوران معاصر از چنان اهمیتی برخوردار است که در هیچ معادلهٔ سیاسی نمی توان آن را نادیده گرفت. بر بنیاد آنچه گفته آمد بی جا نخواهد بود، این همکاری های استراتژیک را در یک مقیاس وسیع به بحث بگیریم تا دیده شود که پیامدهای آن در دراز مدت چگونه است؟

بدون شک در جهان کنونی که حیثیت دهکدهٔ کوچک را به خود گرفته است، تصور زندگی انزوا پسندانه در هر بخشی از بخش های حیات امری است محال، در روشنایی این اصل و با بررسی زندگی ملت تازه رهایی یافته، از بحران های تحمیل شده از طرف قدرت های منطقه یی و بین المللی، تماس نزدیک کشور ما با جهان به ویژه با کشورهایی که بعد از فاجعهٔ یازدهٔ سپتامبر با تغییر سیاست قبلی خویش، به ملت ما همکاری نموده اند، برای آبادی ویرانی های حاصل از تجاوز و مرهم گذاشتن به زخم های آن، امری است انکار نا پذیر.

بر همین اساس ما نیاز داریم که با همهٔ این کشورها تماس دوستانه داشته باشیم و از همکاری های آن ها در عرصه های مختلف در حدی که منافع ملی هیچ طرفی مورد سؤال قرار نگیرد، استفادهٔ بهینه نماییم.

یقیناً ادامهٔ این وضع با موجودیت نیروهای آیساف به سرپرستی ناتو مورد تأیید مردم قرار گرفته است. اما ایجاد پایگاه نظامی که در چهارچوب همکاری های استراتژیک ایالات متحدهٔ امریکا امروز در محراق توجه رسانه های موافق و مخالف، قرار گرفته و محور اصلی فراخوان ریاست جمهوری اسلامی افغانستان از وکلای لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی را تشکیل می دهد در سطح وسیعی سؤال بر انگیز گردیده است.

حضور پایگاه های دایم نظامی آمریکا و یا ادامهٔ همکاری های استراتژیک آمریکا به افغانستان از حساسیتی خاص برخوردار است هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه. دولتمردان ما باید توجه داشته باشند افغانستان از لحاظ فرهنگی و روانشناختی تاریخی، همواره بر نوع غرور ملی تکیه زده است و هیچ تنازلی را در این عرصه نشناخته است. و نیز موقعیت ژئوپلتیک افغانستان که چند سو به کشورهایی پیوسته است که به دلائل زیاد از حضور پایگاه های نظامی آمریکا در خاک افغانستان راضی نخواهند بود. مسأله یی که همواره در افغانستان موجب ایجاد بی ثباتی و بحران گردیده است.

لهذا نباید برای امنیت و ثبات در افغانستان به گونه یی اقدام کرد که خود عامل بی ثباتی و بحران گردد و موجب بروز تمرد ملی.

دولتمردان ما باید توجه داشته باشند افغانستان از لحاظ فرهنگی و روانشناختی تاریخی همواره بر نوع غرور ملی تکیه زده است و هیچ تنازلی را در این عرصه نشناخته است. و نیز موقعیت ژئوپلتیک افغانستان که چند سو به کشورهایی پیوسته است که به دلائل زیاد از حضور پایگاه های نظامی آمریکا در خاک افغانستان راضی نخواهند بود

ما نیاز داریم که با همهٔ این کشورها تماس دوستانه داشته باشیم و از همکاری های آن ها در عرصه های مختلف در حدی که منافع ملی هیچ طرفی مورد سؤال قرار نگیرد، استفادهٔ بهینه نماییم

شصت سال پس از پایان جنگ جهانی دوم

وحید مژده

هشتم ماه می مصادف بود با شصتمین سالروز تسلیم آلمان نازی و پایان جنگ جهانی دوم. هشت روز قبل از آن روز یعنی در ۳۰ اپریل ۱۹۴۵هیتلر پیشوای آلمان نازی خودکشی نمود و قوای متفقین دو روز بعد از آن برلین را فتح کردند.

این جنگ در سال ۱۹۳۹ میلادی مطابق به ۱۳۱۸ هـ ش با هجوم قوای آلمان به پولیند آغاز شد و در سال ۱۹۴۵ مطابق با ۱۳۲۴هـ ش با تسلیم آلمان به پایان رسید.

جنگ جهانی دوم زمانی شعله ور شد که از جنگ جهانی اول بیش از دو دهه نمی گذشت و هنوز خاطرات هولناک آن در خاطره ها زنده بود اما در طول این مدت تکنولوژی جنگ افزار رشد فراوان داشت که از مقایسهٔ تلفات انسانی نیز می توان به آن پی برد.

در حالی که در جنگ اول جهانی هشت میلیون و هشت صد هزار نفر به قتل رسیده بود در جنگ دوم جهانی سی وشش ملیون انسان قربانی شد. روس ها با دادن تقریبا هفده میلیون کشته بیشترین قربانی انسانی را در این جنگ متحمل شدند. در پایان این جنگ بود که نخستین بار سلاح اتمی به کار رفت و امریکا با ریختن دو بمب اتمی بالای شهر های هیروشیما و ناکاساکی در جاپان این کشور را نیز به تسلیم واداشت.

هرچند این جنگ در سال ۱۹۴۵ به پایان رسید اما نتایج آن ده ها سال در اروپا که میدان اصلی جنگ بود باقی ماند. آلمان بزرگ تجزیه شد. ازحدود یک چهارم آن که در شرق این کشور واقع بود، جمهوری دموکراتیک المان با رژیم کمونیستی به وجود آمد و بخش باقی مانده تحت نام جمهوری فدرال آلمان ظاهرا کشوری آزاد بود اما در تحت سیطرهٔ پیمان ناتو اجازهٔ داشتن اردو و صنایع اسلحه سازی را نداشت. بخشی از ناحیهٔ پروس شرقی به پولیند واگذار گردید. اتریش که به آلمان ملحق شده بود مجدداً استقلال خود را بازیافت و جمهوری های ساحل بحیرهٔ بالتیک چون لیتویا، لیتوانیا و استونیا که به خاطر ترس از روسها از آلمان جانبداری کرده بودند مجبور به قبول رژیم کمونیستی گردیده و در شمار اقمار اتحادشوروی درآمدند. دو ابرقدرت قد برافراشته از میان خاک و خاکستر جنگ دوم جهانی با به وجود آوردن پیمان های نظامی ناتو و وارسا در برابر هم صف آرایی کردند.

پس از جنگ جهانی دوم بود که نهضت استقلال طلبی در آسیا و افریقا اوج گرفت و ملت های تحت استعمار با استفاده از ضعف کشور های استعمارگر اروپایی دست به تلاش در جهت استقلال زدند و به موفقیت دست یافتند.

یکی از بزرگ ترین نتایج این جنگ به وجود آمدن سازمان ملل متحد بود که به عنوان مرجعی که از جنگ مشابه بعدی جلوگیری نماید به میان آمد. امریکا که به علت دوری فاصله از میدان جنگ صدمهٔ کمتر دیده بود مبدل به یک ابرقدرت شد که با قدرت روزافزون اتحاد شوروی در اروپا و سایر نقاط جهان به رقابت برخاست. دیگر کشور های بزرگ آموخته بودند که خود مستقیما وارد جنگ نشوند اما در هرکجا که منافع شان به خطر افتد، از جنگ های منطقه یی به نفع خویش بهره گیرند. در جنوب شرق آسیا (ویتنام) اول فرانسه و سپس امریکا مستقیما دست به مداخله زدند اما با شکست از آنجا بیرون رانده شدند.

پس از جنگ جهانی دوم دنیا شاهد جنگ گرم میان ابرقدرت ها نبود هرچند در سال ۱۹۶۱ تصمیم شوروی برای مستقر ساختن موشک های دوربرد در خاک کیوبا خطر یک جنگ جهانی دیگر را به وجود آورد اما با دیدار کنیدی و خروشچف این بحران رفع شد. از این تاریخ به بعد حالتی میان دو ابرقدرت به وجود آمد که جنگ سرد خوانده شد. این وضع تا فروپاشی اتحاد شوروی ادامه داشت.

در این دوره جهان به دو قطب رقیب تقسیم شد. تلاش برخی از کشور های جهان سوم برای بی طرفی در میان این دوقطب به نهضت عدم انسلاک انجامید ص ۷



بخش دوم

در گلگشتی با علامه اقبال

محمد اسحاق فایز

عشق آن آتش قد یمه یی است که جان و تن اقبال را در نوردیده است . این عشق است که در او نیروو توان زیستن را جاری داشته است و از همین عشق است که اقبال پیکر خاکی انسان را قرین برتری می داند. حدیث عشق در شعر شا عران پیشین و بزرگان ادب فارسی و مخصوصا متصوفین و عرفا جایگاه خاصی داشته است و این اقبال است که پس از این بزرگان، به عشق از همان دریچه یی می نگرد که حافظ و مولوی و سنایی دیده بودند :

سفالم را می او جام جم کرد
درون قطره ام جوشید یم کرد
خرد اندر سرم بتخانه یی ریخت
خلیل عشق دیرم را حرم کرد

وقتی گدای جلوه به طور موعود پای می نهد، جوشش عشقی در دل دارد که این جوشش نمادی از آدمیت نیز شده است چون اوست که بشر را خلیفهٔ خود ساخت در زمین و بر سایر ذیروح او را برتری بخشید. اقبال به آدمیت و آدمی ارج بسیا ربلند نهاده است وآن را تا بدان جایگاه برتر می داند که می گوید خداوند نیز در جستجوی آدمی است.

انسانی که به خود نپردازد در حقیقت به آدمیت خویش توجهی نکرده و از خود دوری جسته است:

گدای جلوه رفتی برسر طور
که جان تو زخود نامحرمی هست

هرموجود ی در کنه و ذات اشیا دیدو نگاه متباینی دارد . بینش و دریافت های مان از حیات رنگ رنگ است و ما آنچه را که هست می بینیم و از اندرون و راز هستی او وقوفی نداریم. با آن که عشق روح و ضمیر هستی اشیا و زندگی هست، منظر رنگ که همین جهان ظاهر است، از دید هریکی نیز دیگر است:

نماید آنچه هست این وادی گل
درون لالهٔ آتش به جان چیست ؟
به چشم ما چمن یک موج رنگ است
که می داند به چشم بلبلان چیست ؟

وسعت و کرانهٔ خودی انسان نیز بیکرانی دیگری دارد . با آن که خرد به اقالیم و آفاق پرزده است ولی تا آنجا که رفته و قد کشیده است آسمانی را یافته است ولی اقبال چون به اندرون خود سفر می کند آنجا عالم بیکرانی می بیند که رمزو راز های فراوانی نیز دارد .

تعقل به بیکرانگی هستی آنگاه ممکن گردد که انسان بیکرانگی اندرون خودرا دریابد، در این بیکران نیز با پر خرد پروازی در خور و بایسته کند :

زانجم تا به انجم صد جهان بود
خرد هرجا که پرزد آسمان بود
ولیکن چون بخود نگریستم من
کران بیکران در من نهان بود

دگر از عشق بیباکم چه رنجی
که خود این های و هو را آفریدی

اقبال به رنگ و قوم و نسب پایبندی ندارد و آن را مردود می شمارد .او مسلمانی را در این می داند که با این پدیده باید پشت پا زد. انسان ها چمن زادی از یک شاخسار و از سرشت واحدی اند و یک نوبهار آنهارا می پرورد :

تو ای کودک منش خودرا ادب کن
مسلمان زاده یی ترک نسب کن
به رنگ احمر و خون و رگ و پوشت
عرب نازد اگر، ترک عرب کن

و جایی دیگر :

نه افغانیم ونی ترک و تتاریم
چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیز رنگ و بو برما حرام است
که ما پرورده یک نوبهاریم

اقبال دلیل بقای انسان را در تحرک و پویش و تلاش و سعی او می داند و معتقد است که اگر این تلاش که از آن به عنوان به خود پیچیدنی چون موج یاد می کند نمی بود، انسان نبود همان گونه که هستی و توان دریا را از امواجش قیاس می کند:

چه پرسی از کجایم چیستم من
به خود پیچیده ام تا زیستم من
در این دریا چو موج بیقرارم
اگر برخود نپیچم نیستم من

به ساحل نشستن نمادی از سکون و بیکاری و تنبلی است . و برعکس معنای

قدم در جستجوی آدمی زن
خدا در جستجوی آدمی هست

عشق مایهٔ برتری هستی آدمی شده است . این مزیتی است که در فرشتگان آسمان نیز نبوده است و اقبال از این رهگذر است که به خود می بالد و فریاد می کشد:

بگو جبریل را از من پیامی
مرا آن پیکر نوری ندادند
ولی تاب و تب ما خاکیان بین
به نوری ذوق مهجوری ندادند

مهجوری انسان در مقام حضرت یگانه از راه عشق اوست به آن خالق بی چون، و اقبال جسم خاکی خود را به این ترتیب (با این ذوق مهجوری اش) مایهٔ فخر و مباهات می داند.

اقبال به آنچه ما تقدیرش می نامیم باورمند نیست، آن را نفی می کند و بر آن ست که برای عبور از گذرگاه های هستی و رهیدن از مشکلات راهی موجود است فقط آدمی باید در این طریق شود. آدمی آنچه می بیند نتیجهٔ عمل و تلاش خود اوست و گام در راه گذاشتن برای انسان میدان تاختن و رسیدن را هموار می کند :

به پای خود مزن زنجیر تقدیر
ته این گنبد گردان رهی هست
اگر باور نداری خیز و دریاب
که چون پا واکنی جولانگهی هست

انسان تقدیر خودرا خود رقم می کند.

تورا در د یکی در سینه پیچید
جهان رنگ و بورا آفریدی

زندگی و حیات درتپیدنی موج آساست:

دوام ما زسوزنا تمام است
چو ماهی جز تپش بر ما حرام است
مجو ساحل که در آغوش ساحل
تپیدن یک دم و مرگ مدام است

ما غالباً در پرستش بت هایی مشغولیم که خود ساخته ایم ، بت هایی که در اندرون مان با دست باورهای مان تراشیده ایم . با این حالت با این بت تراشی هایمان چگونه خواهیم تا به خدا برسیم و به افرشتگان او .

حکیمان گرچه صد پیکر شکستند
مقیم سومنات بود و هستند
چه سان افرشته و یزدان بگیرند
هنوزآ دم به فتراکی نبستند

(ادامه دارد)

جَرَس

جرس غوغا خوش و مستانه دارد
فغانِ دلکش و جانانه دارد
همی نالد که ای خوابیده یاران
چرا شورم اثر اصلاً ندارد
***
همینالد که این خوابِ گران چیست
نشاید اینقدر بی اعتنا زیست
گر این آهنگ بیدارت نسازد
چوتو افسرده‌جان دررهروان‌نیست
***
جرس هرچند فریادش ز دور است
شنیدن عرضِ حالِ او ضرور است
صدایش از پی بیداریِ ماست
اگر هرچند جسم بی شعور است

سرشار شمالی

خزف وگهر

طعنه برخسته رهروان نزنید
بوسه بردست رهزنان نزنید
چون کمان کهنه شد، کمانش پیر
بهدف تیر ازآن کمان نزنید
تکیه برزندگان کنید ای قوم
تاج بر فرق مردگان نزنید
هیچگاهی خزف گهر نشود
خاک در چشم مردمان نزنید
چون خود ازهمرهان قافله اید
همرهٔ دزد کاروان نزنید
باده با دوست درعیان چو خورید
لقمه با غیر در نهان نزنید

رازق فانی

فصل خدا

محمد عاقل بیرنگ

خسته بیداد شب و وحشت دیجورم کرد
رنج این مردم پرحوصله رنجورم کرد
هجرت از خاک بود تلخ‌تر این فصل خدا
دست بیداد بدین فاصله مهجورم کرد
اختياري نبود آمدنم این سوها
تو بداني که چه افتاد که مجبورم کرد
باش بدرود وطن تا که سرآید ظلمت
اهرمن از تو به صد مرحله‌ها دورم کرد
دیو شب از همه سو آمد و دیوار کشید
گرد من، واي چه دیوانه و محصورم کرد
بود تاریک سراسر دل من چون دل گور
عشق بارید در این خانه و پرنورم کرد

مشوره

الکوزي

یوه ورځ راته یو عزتمند سړي راغي له روغبړ وروسته ئي د خپلي ور پیښي ستونزي په باب راته وویل: ورو ګله تاته خو څرګنده ده چي ما په پروان مینه کي یو کور درلوده چي قباله ئي هم لرم او اوس پدغه کور چا قبضه کړي ده، سړي په دولت کي لوړ رتبه چارواکي پيژني او په ټولنه کي د نفوذ خاوند دي چي هر څومره منت او زاري مي ورته وکړه وئي نه منله اخیر مجبور شوم قاضي ته لاړم. عرض مي پري وکړ، قاضي زما قضیه په جریان کي واچوله سړي ئي محکمي ته حاضر کړ پوښتني ايښتني ئي ځيني وکړي خو بيرته ئي په عزت رخصت کړ او معذرت ئي هم تري وغوښت اوس ته ووایه زه څه وکړم؟ له کومي لاري مخکني لاړ شم چي ګني که خداي مهربانه شي او بيرته دخپل کور خاوند شم.

ما ورته وویل چي اوس خو موږ یو انتخابي ولسمشر لرو هغه ته ورشه او عريضه ورته وکړه، هغه وويل پروسږ کال هم ورغلي وم او سږ کال هم خو چا پيزارته هم پري نښودم، نژدي و چي د امريکائي باډيګاردانو سپي مي وخوري خو خداي خير راپيښ کړ.

ما ورته بيا مشوره ورکړه خير قاضي صاحب ته عذر او زاري وکړه هغه راته وويل نه ئي مني او له مقابل لوري نه ډاريږي، بيا مي ورته وويل کومه واسطه ورته يوسه ګونډي کاردي وکړي هغه وويل لوړ پوړي چارواکي او يا زور ور قوماندانان نه پيژنم او بل څوک نه مني، بيا مي ورته وويل خير لاړ شه او د بشر د حقوقو دڅارني د کوم سيمه ييز سازمان څخه مرسته وغواړه ګونډي خبره دي يوځاي ته ورسوي. هغه راته وويل داکار مي هم کړي دي خو د بده مرغه چي آواز مي څوك نه اوري نه پوهيږم نور څه وکړم لطفاً ماته څه لارښودنه وکړه، ما دلږ وخت لپاره دحل لاري د لټي په باب فکر وکړ او دامي په مغزو کي راوګرځيدل چي قاضي صاحب منت زاري نه مني، شرعي قوالي ته ارزښت نه ورکوي، دسپين ږيرو او عالمانو خبره هم نه اوري نو څه په کار دي چي حق حقدارته ورسيږي، له ظالم څخه د مظلوم حقوق تر لاسه شي او کور خپل اصلي خاوند ته وسپارل شي نو بيا مي ورته وويل ورور ګله راشه بل کار وکړه که غواړي چي د کور خاوند شي نو قاضي صاحب ته يوه درنه تحفه ډالۍ کړه، کيدي شي په دي کار خوشحاله شي او ستا په ګټه کومه فيصله صادره کړي.

ددغه عزتمند سپين ږيري وروستي خبره ډيره خوښه شوه، په دويمه ورځ ئي بيا زما د حجري دروازه وټکوله، دا خل ئي وچ ولي روڼ ښکاريده ماته ئي ډير ډير کور ودانۍ ووايه او زيات خوشحاله و او ويل ئي وروره ګله: ستا مشوره خو ډيره ګټوره وه باور وکړه چي سوغات خو معجزه وکړه معجزه، زما د ددوکالو منډي را منډي ئي ثمر ته ورسولي کاشکي دغه مشوره دي راته لا د لومړي سره راکړي وي، دومره ستړي او ناخوالي به مي ولي ليدلي.

خدايه توفيق د غريبانو د خدمت راکړي
قدرت د رحم و عاطفي او مروت راکړي
چي تسلي د دردېدلو او ځپلو زړوشي
ژبه او زړه ډك له اخلاص او محبت راکړي
هسي زور رانکړي چي خلکوته آزار وګرځي
چي راکوي قوت مرستي معاونت راکړي
د خان او بيګ او د سردار په نامه نه خوښيږم
ما ته د قام د خدمتګار عالي صفت راکړي
حکمراني په نورو خلکو درنه نه غواړمه
په خپل هوس، هوا او نفس حاکميت راکړي
چي د غريبو او بي وزلو خدمتونه وکړم
لويه ځښتنه په دي لاره کي همت راکړي
اي د کمين او د جمله و مخلوقاتو ربه
خپل د رضا او د مخلوق راته قدرت راکړي

دولت در تلاش مشروعیت ملی

پوهندوی عبدالعلی کوهی

امروز بحران اعتماد در کشور نهادینه شده است. به همین پیمانه بحران مشروعیت کشور را تهدید می کند. با ایجاد حکومت مرکزی در افغانستان در نیمهٔ قرن هجده، به وسیلهٔ احمدشاه ابدالی و تحکیم این مرکزیت با اعمال فشار از سوی امیر عبدالرحمن خان، همواره حکومت های توتالیتر و فرهنگ ستیز برسرنوشت مردم ما حاکم بوده است.

هر جنبش ملی از سوی حکومت های استبدادی سرکوب گردیده است. جنبش مشروطیت، انقلاب مطبوعات، جریان آگاهی بخشی مردم از سوی این جنبش با تمام قساوت سرکوب شد و پایه های عدل و شرف و پاسداری از حریم کرامت انسانی جرم تلقی گردید. اشخاص و افراد منسوب به این نهضت، یا اعدام گردیدند و یا سال ها در زندان به سر بردند و یا به نحوی، این دولت ها از این افراد سرباز گیری نمودند، تا تاریخ را مسخ کنند. همین گونه دههٔ دموکراسی، با کودتای محمد داوود در سال ۱۳۵۳ پایان یافت.

این دولت ها، همواره تلاش ورزیده اند، تا از بلند رفتن سطح سواد، دانش و خبرت جلوگیری کنند، تاریخ سیاسی افغانستان همه اش هول است وفترت و پوسیدگی که در زباله یی از مسخ تاریخ ترسب نموده است به گونه یی که این بی برنامگی های سیاسی در سال ۱۳۵۷ به حالت انفجار رسید و فاجعه بار آورد.

در تاریخ معاصر افغانستان، عناصر روشنفکر، دانشمند و عناصر ملی همواره شلاق خورده اند. شکست جریان های طرفدار دموکراسی در افغانستان و عمیق تر شدن بحران جامعهٔ مدنی، نتیجه اش همین حکومت های توتالیتر بوده است. همین اکنون در پیرامون کارایی دولت، گفتنی های زیادی وجود دارد، طوری که فعالیت های دولت ظرف سال های اخیر همواره با زمان بندی های مقطعی و معامله های پشت پرده سر و کار داشته تا طرح یک استراتژی ملی و کسب مشروعیت قابل قبول برای همه. در یک دوره اشخاص و افراد در بدنهٔ دولت با اهداف متضاد دور هم جمع گردیدند و برای منافع خویش دست و پا نمودند.

همین گونه کابینهٔ کنونی به قول مردم عامه و بی طرف از کارآیی چندانی برخوردار نیست و زود است که این کابینه به جرم بی برنامگی از عناصر ملی، دلسوز و بی سرپناه که نه به مقامات عالیه پیوند دارند و نه در سایهٔ احزاب قرمایشی لمیده اند، جای ندارند.

وقتی مردم از فساد و بی مبالاتی در دستگاه دولت سخن گفتند و مطبوعات کشور این زمینه ها را آیینه داری کرد. دولت فقط چند ملنگ و اشخاص ضعیف را به محاکمه کشاند، یعنی دولت می خواهد مرغ خانگی شکار کند و نام آن را بگذارد مبارزه با فساد و قانون شکنی.

فعالیت های دولت ظرف سال های اخیر همواره با زمان بندی های مقطعی و معامله های پشت پرده سر و کار داشته تا طرح یک استراتژی ملی و کسب مشروعیت قابل قبول برای همه

در نشست اعضای لویه جرگهٔ قانون اساسی به روز یکشنبه ۱۸ ثور ۱۳۸۴ که افزون بر مشمولان لویه جرگهٔ قانون اساسی برخی از افراد اقوام و قبایل دعوت گردیده بودند و دولت خواست تا روی استراتژی مهم ملی تصمیم اتخاذ نماید و به اقدامات خویش مشروعیت ببخشد. باید در پیرامون این همایش کمی درنگ کرد و بر پیامدهای آن مکث نمود. نخست باید گفته شود که تداوم همکاری نظامی هر کشور خارجی به شمول ایالات متحدهٔ امریکا با افغانستان باید قانون مند گردد و این چیزی است که باید به یک ریفرندم همگانی گذاشته شود، و اعضای لویه جرگهٔ قانون اساسی فقط برای تصویب قانون اساسی دعوت گردیده بودند، در حالی که جوّ سیاسی آن وقت از جوّ کنونی فرق می نماید. نمی شود این اشخاص و افراد را در هر تصمیم گیری ملی سهیم ساخت. دعوت این اشخاص از سوی دولت آسان ترین راه مشروعیت عنوان گردیده است. و دولت با چنان عجله به برگزاری این همایش دست یازید که نتوانست تا تشکیل پارلمان کشور انتظار بکشد.

نخست می بایست این افراد از سوی مردم مشروعیت خود را به دست می آوردند، تا بعداً مشروعیت دولت را در تصمیم گیری های بعدی تضمین می نمودند. طوری که دیده می شود جریان مشروعیت در کشور با چالش هایی جدید وجدی مواجه می باشد، و راه های درازی برای رسیدن به این هدف در پیش است و ما هنوز در خم یک کوچه ایم.

پای در آید؛ زیرا میزان نارضایتی مردم روز تا روز عمیق تر می گردد و سطح مطالبات بیشتر و پاسخگویی ضعیف تر.

باید میان کار سیاسی و معاملهٔ سیاسی فرق گذاشت؛ چیزی که حکومت های ما بدان عادت کرده اند. رفتن به سوی ایجاد پارلمان، شوراهای ولایتی، ولسوالی ها، داشتن احزاب با برنامه های ملی، آیینه داری فعالیت دولت از طریق آزادی مطبوعات همه پایه های مشروعیت دولت را

امروز مردم افغانستان از مشارکت ملی چیزی نمی دانند و در این مشارکت فقط تکنوکرات های رفاه دیده مطمع نظر بوده اند که با پول های کلان آنها را ناز می دهند

می سازد که دولت از داشتن این همّه مزایا بی بهره است.

امروز مردم افغانستان از مشارکت ملی چیزی نمی دانند و در این مشارکت فقط تکنوکرات های رفاه دیده مطمح نظر بوده اند که با پول های کلان آنها را ناز می دهند و در این مشارکت

په افغانستان دامریکا له خوا د پوځي اډو دجوړولو په باب غبرګون

محب الله حقجو

تهران راډیو د غوائي د میاشتي په ۱۸ نیټه په خپله یوه تبصره کي په افغانستان کي د امریکایانو د دایمي همکاري او پوځي اډو د جوړیدو په ارتباط په خپله یوه تبصره کي لیکلي دي:

د افغانستان د نوي اساسي قانون پر اساس په دغه هیواد کي د بهرنیو پوځیانو د دایمي شتون په خیر د مهمو او حساسو مسلو تصویبول او د هغو جاجول یواځي دافغانستان د پارلمان په صلاحیت کي دي. دا پداسي حال کي دي چي د افغانستان د پارلماني انتخاباتو تر سره کیدل تر اوسه پوري څو ځلي ځنډیدلي دي او ټاکل شویده چي د راتلونکي سپتامبر په میاشت که وشي.

دي مسلي ته په پام سره د پام وړ ټکي دادي چي په افغانستان کي ولي د امریکا د دایمي پوځي اډو د جوړولو په خیر د مهمو موضوعګانو په اړه د فیصلو لپاره دلویي جرګي د غړو غونډه جوړه شویده په تیره بیا داچي ددي موضوع په اړه فیصله لومړي د افغانستان د راتلونکي پارلمان په غاړه ده او همدا راز داهم نه ده معلومه چي ددغه هیواد خلک به دلوي جرګي دغه رایه تائید کړي او که نه؟

دطالبانو له نسکوریدو او په افغانستان کي د ملي واکمني له جوړیدو وروسته ددغه هیواد خلکو تمه درلوده چي بهرني ځواکونه په تیره بیا امریکائي پوځیان به له افغانستان څخه ووځي، خو امریکا په بیلابیلو پلمو په افغانستان کي خپل پوځي شتون ته دوام ورکړیدي او پردي سربیره امریکا ورو، ورو په افغانستان کي ددایمي پوځي شتون او ددایمي اډو د جوړولو موضوع مطرح کړیده. داپداسي حال کي دي چي د افغانتسان سیاسي مذهبي او مطبوعاتي شخصیتونه پدي باور دي چي په افغانستان کي د امریکا ددایمي پوځي اډو جوړیدل او په دغه هیواد کي د امریکا د پوځي شتون دوام د افغانستان خپلواکي او ملي اقتدار داغي کوي، له بلي خوا په افغانستان کي به د امریکا د دایمي اډو جوړیدل د افغانستان او سیمي لپاره ناوړه پایلي ولري ځکه له هیچا پټه نه ده چي امریکا په افغانستان کي ددایمي اډو په جوړولو سره دروسیي ترڅنګ په مرکزي اسیا د چین ترڅنګ په ختیځ او جنوب کي او د هند په سمندرکي د خپل نفوذ د پراختیا او د ایران د ډارولو په لټه کي ده او دا راز مسلي د افغانستان له ګاونډیانو سره ددغه هیواد د اړیکو او همدا راز د سیمي په نورو هیوادونو ناوړه اغیزي شیندلي شي چي افغانستان باید ورته کلکه پاملرنه وکړي.

دافغانستان په باب د بهرنیو مطبوعاتو تبصري

د ثور په ۱۸ نیټه به بهرنیو مطبوعاتو کي د افغانستان د حالاتو په باب تبصري خپري شوي چي یوي برخي ته ني ستاسو پاملرنه راګرځوو:

نیویارک تایمز لیکي د پنجشنبي په ورځ نهه تنه افغان عسکر د یو برید په ترڅ کي د افغانستان په شمال لویدیځ کي و وژل شول. د نیویارک تایمز ورځپانه د افغانتسان د دفاع د وزارت ویاند جنرال عظیمي له قوله لیکي، دغه عسکر د کندهار د ولایت په شاه ولي کوټ ولسوالي کي په ګزمه وتلي وو چي وربانند برید وشو، داسي ویل کیږي چي په وروستیو بریدونو کي نږدي ځلویښت تنه سخت دریځه طالبان هم وژل شویدي. ددغو مړو د شمیزي په هکله دقیق څه نه دي ویل شوي خو سیمه ییز ریوټونه دا شمیره نږدي اتیا ته ښیي.

والستریټ ژورنال ورځپانه وروستیو بریدونو ته په اشاري سره لیکي، د دغو بریدونو مسوولیت طالبانو په غاړه احیستي دي خو د پیلوماتان او رسمي مامورین پدي فکر دي چي ښایي د طالبانو پلویان به د کرزي په دولت کي وي او د هغوي په وسیله به طالبانو ته معلومات برابریږي.

ایروایشیا بیا په بغلان کي د هغه قوماندان په کور کي چاودنه یاده کړي چي له امله یي ګڼ شمیر خلکو ته دسر او مال زیان ورسید. دغه پخواني قوماندان د دي،دي، آر یا بي وسلي کولو او ملکي ژوند ته دراګرځیدو د پروګرام له مخي بي وسلي شوي و. ورځپانه لیکي دي پیښي دا ویره رامنځ ته کړي چي ښایي نور داسي قوماندانان به هم وي چي وسله یي له خان سره ساتلي وي او د ملګرو ملتونو له اداري سره د دي،دي، آر شوي قوماندان په توګه راجستر وي.

په امریکا کي خپریدونکي لاس انجلس تایمز لیکي د پنجشنبي په ورځ د کابل په ښار کي له دري سوو نه ډیرو ښځو د زور زیاتي په وړاندي د اعتراض په نوم مظاهرو لاس پوري کړ. هغوي د کرزي له حکومت نه دا پوښتنه کوله چي ولي د هغو ښځو ښځو د وژلو په هکله غلي دي چي د تیرو دوو اونیو په ترڅ کي وژل شوي دي. د دوشنبي په ورځ د بغلان په ولایت کي د دري ښځو مړي موندل شول. نږدي دوه اووني مخکي په هرات کي یوه ښځه د مخالفو ډلو په ډزو کي ووژل شوه او بیا په بدخاشان کي په یوي بلي میرمني آمني چي جرم یي ثبوت نه و د کانو باران وشو.

ورځپانه د خیلي مقالي په پاي کي لیکي دغو اعتراض کوونکو میرمنو وویل چي د افغانستان دولت باید د ښځو حقونو ته پوره پاملرنه وکړي او دزور زیاتي مخه ونیسي

قسمت دوم

گفتند و شنیدیم!

ابوبکر سبزوار

ابوالفرج اللیبی دستگیر شد

مقامات پاکستانی ابوالفرج اللیبی یکی از افراد القاعده را دستگیر کردند. آنها ادعا دارند که این شخص از نظر سلسلهٔ مراتب سومین شخص مهم القاعده است. ادعای دیگر در مورد وی این است که او نقشهٔ ترور پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان را طرح کرده بود.

حقیقت امر این است که در میان نام های افراد بلند پایهٔ القاعده که از طرف مقامات امریکایی نیز درگذشته منتشر شده، نام این شخص دیده نمی شد اما آفرین به پاکستانی ها که تا دل تان بخواهد افراد درجه سوم و چهارم القاعده را در آستین دارند و به مقتضای شرایط یکی یکی دستگیر و به امریکایی ها تقدیم می کنند. ممکن است این افراد مهم هم نباشند و شامل درجه هم

> **اما آفرین به پاکستانی ها که تا دل تان بخواهد افراد درجه سوم و چهارم القاعده را در آستین دارند و به مقتضای شرایط یکی یکی به در می آرند و به امریکایی ها تقدیم می کنند**

نشوند اما سازماندهی کار به وسیلهٔ مقامات پاکستانی به گونه یی است که نام شخص گمنامی را که یا نزدشان زندانی است و یا محل اختفایش را می دانند، در ابتدا به عنوان یک شخص مطلوب به نشر می سپارند و جایزه یی هم برایش در نظر می گیرند. نام وی به عنوان یک تروریست خطرناک مطرح می شود و بعد در وقت مناسب اعلام می دارند که او دستگیر شده است. سپس با تبلیغات و سروصدای فراوان وی را به امریکایی ها می سپارند و البته امتیازات مورد نظر را نیز به دست می آورند. مانند فارمداری که گوسفند را در فارم خود چاق می سازد تا در بازار به قیمت خوب بفروشد!

از اینجا مشخص می شود که اصلا لیست القاعده را نه امریکا بلکه پاکستان در اختیار دارد و تعیین درجه هم کار آنهاست!

دستگیری بشیر نورزی در امریکا

از دستگیری سخن گفتیم به یاد یک دستگیری دیگر که چندی قبل در امریکا صورت گرفت افتادم که بی شباهت به دستگیری ابوالفرج نیست.

دستگیری بشیر نورزی در امریکا با تفصیلی که در مورد دستگیری وی بیان شد مساله یی حیرت آور است. نام بشیر که در افغانستان به حاجی بشیر معروف است هیچگاه به عنوان بزرگ ترین قاچاقچی مواد مخدر نیامده بود.

حاجی بشیر در آغاز تحریک طالبان با این تحریک کمک های مالی نمود که این مسأله در آن زمان غیر طبیعی نبود. در آن زمان برخی از تجار افغانی با طالبان همکاری می کردند.

این تاجران حتی قبل از ظهور تحریک طالبان، مدارس دینی را در پاکستان حمایت مالی می کردند. بعدها از این مدارس جمع کثیری از طالبانی ظهور کردند که در تحولات سیاسی دوران طالبان در افغانستان نقش داشتند.

پس از آن بین این تاجران و تحریک طالبان اختلافاتی ظهور کرد. آنها به این باور بودند که طالبان به تنهایی قادر به ادارهٔ افغانستان نیستند و باید با مجاهدین یکجا شده و یک حکومت مورد قبول جامعهٔ بین المللی را به وجود آورند. کاری که رهبری طالبان به آن تمایلی نداشت.

حاجی بشیر در برابر کمکی که به طالبان کرده بود بعداً امتیاز تجارت مواد مخدر را به دست آورد اما وی را نمی توان یک تاجر بزرگ این مواد در سطح افغانستان به شمار آورد چه رسد در سطح بین المللی. و اگر چنین می بود او هرگز جرأت نمی کرد تا به امریکا برود.

ریشهٔ این دستگیری را باید در اختلافات میان دولت مردان کشور ما جستجو کرد. از ماه ها به این طرف مسألهٔ افشای فهرست کسانی که به کار این تجارت در افغانستان مشغولند به گوش می رسید اما هیچ کس جرأت نکرد تا این فهرست را به دست نشر بسپارد.

شکی نیست که مقامات امنیتی کشور ما از قبل فهرست قاچاقچیان بزرگ را به مقامات امریکایی داده اند اما اینک با دستگیری یکی از آنان می توان انتظار داشت که نام دیگران نیز افشا گردد. اگر تا کنون بعضی از مقامات از افشای این فهرست به خاطر جلوگیری از بروز اختلافات ابا می ورزیدند اما حالا اگر این فهرست منتشر گردد می توانند بگویند که این اطلاعات در نتیجهٔ تحقیقات از حاجی بشیر به دست آمده است! مثل این که ما هم کم کم از پاکستانی ها یاد می گیریم!

وزارت جوانان یا وزارت حل مشکل کانکور زدگان

از همان روزی که تشکیل وزارتی به نام جوانان اعلام شد، جهت کاری این وزارت ذهن مرا به خود مشغول داشته بود. در ذهن خویش جهت های کاری این وزارت را به هر سمتی که سوق دادم تداخل در کار یک مرجع دیگر دریافتم.

این مساله زمانی پیچیده تر شد که از طریق امواج رادیو شنیدم که برای این وزارت جدید (معین مسلکی) هم مقرر گردید.

سؤال جدید در ذهن من این بود که کلمهٔ مسلک در وزارت جوانان به چه مفهوم است؟ از دوستان دیگر که در این رابطه جویای معلومات شدم، جواب قانع کننده یی نیافتم. به ذهنم رسید که شاید وظیفهٔ معاونت مسلکی این باشد که جوان را از پیر تمییز نماید. با توجه به مصیبت هایی که در طول سال ها بر مردم ما رفته است، تشخیص جوانی کم سن وسال از پیر هفتاد ساله در این کشور واقعا نیازمند دانش مسلکی است اما آیا همین کار

> **سوال جدید در ذهن من این بود که کلمهٔ مسلک در وزارت جوانان به چه مفهوم است؟ از دوستان دیگر که در این رابطه جویای معلومات شدم، جواب قانع کننده یی نیافتم. به ذهنم رسید که شاید وظیفهٔ معینیت مسلکی این باشد که جوان را از پیر تمییز نماید**

خود دخالت در کار طب عدلی نیست؟!

اما در این اواخر مصاحبهٔ خانم افضلی وزیر محترم این وزارت لااقل بخشی از سؤالات را برای من حل کرد و آن این که ایشان در مصاحبه یی که از طریق تلویزیون نشر شد، از مشکلات جوانان در کانکور سخن گفتند و در جهت حل آن از اقدامات وزارت جوانان یاد آور شدند ومن شکر خدا را به جا آوردم که بخاطر بی توجهی وزارت تحصیلات عالی، برای این وزارت تازه به میان آمده زمینهٔ ابراز وجود فراهم آمد!

به پیری هم نفهمیدیم افسوس
که دنیا بازیِ طفلانهٔ کیست!

دهیواد په بنیادي مسائلو کي ديني علما مهم رول لري

عبدالباري غيرت

د بشري ټولنو د ښه والي او نیکمرغه ژوند په غرض لوی الله"ج" ټل پیغمبران لیږلي دي پیغمبرانو یوازي عبادتي لارښووني نه کولي بلکه د دي ترڅنګ یي خلک نیکو اخلاقو، ښو کارونو او د ژوندانه ښنتیزو کارونوته رابلل، له پیغمبرانو وروسته دا دنده ديني پوهانو او علماوو ته سپارل شوي ده ترڅو دغه نیمګړي بشر ته د بدمرغۍ او هلاکت له کندي څخه خلاصون او نجات ورکړي. همدا لامل دي چي ديني عالمان د انبیاوو وارثان ګڼل شوي دي چه دوي مال په میراث نه وړي بلکه هغه دنده او مسئولیت په میراث کي اخلي کوم چه پیغمبرانوته سپال شوي و.

نو په دي اساس سره په هر وخت او هر لحظه کي د بشریت د لارښووني د پاره دغو علماووته زیات مسئولیت ور په غاړه دي ترڅو په دي باب ژور والي او تعمق څخه کار واخلي او پرېږدي چه خداي مه کړه دغه د نجات کښتي ځپ ځپانده شي او یا په اوبو کي ډوبه شي بلکه همدوي دي چه د نیکمرغۍ او سعادت ساحل اووچي ته بي يي رسوي.

زمونږ په هیواد کي په دي ناوړه شرایطو کي علما له بل هر وخت څخه زیات مسئولیت لري ترڅو متني و نغاړي د قرآن او احادیثو په رڼا کي خلک په ښو او بدو لارو وپوهوي له بدیو څخه یي وژغوري او نیکیو ته یي ته رهنمایي کړي. ديني علما او په تېره بیا د افغانستان د علماوو شورا دنده لري چه خلک د هیواد په بنیادي مسائلو پوه کړي ترڅو په یوه داسي کړکیچ کي ونه لوېږي چه بیا به له دي ځنو څخه د ملت را ایستل ګران کاروي.

ديني علما ښايي په دي کفایت و نه کړي چه د مخدره موادو، د شرابو د تورید په باب وینااوي وکړي. ديني علما یوازي ښايي د نورو ورته جرمونو لکه زنا، غلا، اختلاس او نورو د اضرارو په باب ښندونه کړي. بلکه دوي ښايي په هغه څه کي مهم رول ولوبوي چه هغه د دولت په بنیادي او اصولي مسائلو پوري تړاو ولري. که چیري بنیاد او اساس سم وي، که چیري هیواد په خپله خپلواکي متکي وي، که چیري هیواد په بشپړه معنا سیاسي حریت او آزادي ولري په هغه صورت کي د نورو فرعي جرمونو مخه په آسانه سره نیولي شي خو که چیري هیواد په خپله سیاسي ادانه باندي بیا او متکي نه وي، په هغه صورت کي د ټولو مثبتو بدلونونو او پرمختګونو تمه نشي کیداي

نو ديني علما دي بیدار اوسي او د هیواد اساسي ستونزو او مشکلاتو ته دي پاملرنه وکړي، په دي اړه دي تبلیغات وکړي او هیوادوال دي وپوهوي چه خداي مه کړه دا وطن بیا د سیاسي بحرانونو سره مخامخ نشي

له نورو ټولو دندو څخه چه د علماوو په اوږه پرتي دي دا دنده او مسئولیت ډیرمهم او دپاملرني وړ دي ځکه کله چي اصول سم وي نو د فروعاتو سمونه آسانه کار دي او که چیري بنیاد او اساسات ونړیږي نو د فروعاتو او ورو مسائلو سمونه کیدونکي نه ده او په ټولنه کي کومه اغیزه لري

بیا هم دهیواد علما دي وبښي وي ترڅو د تبلیغ او وعظ له لاري دغه طلایي فرصت له لاسه ورنه کړي او هیواد له خطروسو څخه بچ کړي

څه وشول او څه ...

او بیکاري ورخ په ورخ زیاتیږي او په سلګونو داسي نورو اقتصادي - ټولنیزو ستونزو زمونږ د خلکو د ملاتیر مات کړي چي ټولو تاسو ته د امید او هیلو سترګي نیولي دي او په دي فکر چي خپل انتخابي ولسمشر چي ورسره کومي ژمني کړي هغه به سرته ورسوي او دوي ته به د ژوند یو مناسب چاپیریال جوړ کړي

زمونږ هیله داده چي په تیرو چارو او سرته رسولو کارونو قضاوت وشي او د نویو پلانونو او پروګرامونو د تطبیق او عملي کولو لپاره نوي کاري او اغیزمنه ستراتیژي جوړه شي قضائي ارکان تصفیه او کار داسي کسانوته وسپارل شي چي هغو جانیکارانو ته په غاړه کي غوراب او دهیواد رښتینو خدمتکارانو ته دګلوامیلونه واچوي. هیله من یوو چي زمونږ ولسمشر او دهغه کاري ټیم نور زمونږ له هیواد نه دښهر بي پرسان لقب لري کړي، دهر څه او له هرچا څخه پوښتنه وشي. قانون له هرچا څخه لوړ وبلل شي او د ټولنیز عدالت د تامین لپاره په سرښندنه او صداقت کار وشي.

هیله من یوو چي زمونږ د هیواد دبیا رغاونې دغه ستت بهیر تر سمکنه حده ګړندي شي او زمونږ لوړ رتبه چارواکي د خپلي ټولني دارو او خوریدلو خلکو په وړاندي د ژور مسئولیت احساس وکړي

تربیت فرزندان و پیوند آن با ارزش های اسلامی

قسمت دوم

سید ناصر تقدسی

جیب خرج

ناگزیر برای کودک آموزانده شود که پس از بهره گیری از هر نعمت خدا، او را شکر بگوید و بداند که تمام نعمت ها از جانب خدا عطا می گردد و شکر، آن را افزوده می سازد و حفظ می کند، وهمچنان لازم است برای کودک فهمانده شود که در پول جیب خرج خود تصرف نیک نماید و به دو موضوع اهمیت بیشتر بدهد: یکی مصرف مسؤولانه وبرنامه ریزی دقیق و دیگری توجه به کارهایی که در مال برکت می اندازد، مانند همکاری با بی نوایان و سهم گیری درکارهای نیک، از همان پول جیب خرج و همچنان ذخیره کردن قسمتی از پول جیب خرج برای خریدن اشیای مورد ضرورت، کودک را به پلان گذاری، هدف مندی و کار برای هدف، سمت و سو می دهد.

بهتر است به کودک آموخته شود که پول و ثروت وسیله است نه هدف، و راه رسیدن به ثروت کار و عرق ریزی است، کودک به هر نحو ممکن بایست فهمانده شود که چیزهای بالاتری از پول ومتاع دنیای وجود دارد که قابل خرید و فروش نیست و به وسیلهٔ پول و دارایی سنجیده نمی شود مثل فضیلت، راستی وشرف و...

آداب مسجد

مسجد جای آداب و فضایل است، حب مسجد و قداست آن و زندگی کردن در کنف دعا و نماز، مشارکت با مسلمانان در مناسبت های مختلف و سهم گیری در کارهایی که روح کودک را غذا می دهد و پالایش می بخشد، در تربیت طفل بر پایهٔ پاکی ونظافت نقش تعیین کننده دارد، عدم اسراف در جریان وضو کردن، به کودک شیوهٔ اقتصادی بودن را تلقین می کند و ایستاده شدن وی در صفوف کودکان نماز گزار در نهاد او دوستی، احترام به بزرگان را غرس می کند. و مشارکت در پاکی وصفایی مسجد و دور کردن اشیای زیان آور از صحن و راه مسجد کودک را به نظافت، زیبایی و همکاری و تکافل عادت می دهد، و در رفتن به جانب مسجد کودک آداب راه، دور کردن

> **بهتر است به کودک آموخته شود که پول و ثروت وسیله است نه هدف، و راه رسیدن به ثروت کار و عرق ریزی است، کودک به هر نحو ممکن بایست فهمانده شود که چیزهای بالاتری از پول ومتاع دنیای وجود دارد که قابل خرید و فروش نیست و به وسیلهٔ پول و دارایی سنجیده نمی شود مثل فضیلت، راستی وشرف و...**

مضرات از سر راه مردم، طریقهٔ سلام دادن و بر خورد نیکو با مردم را فرا می گیرد و زمانی که درمسجد مسلمانان از شخص غیر حاضر و بیمار می پرسند ونسبت به یکدیگر محبت می ورزند کودک به اهمیت دوستی ذات‌البینی و روابط اجتماعی پی می برد و آن را در بزرگ سالی خودش به تجربه می نشیند.

قضای حاجت

پر واضح است که شیوهٔ قضای حاجت کودک خود درس عظیمی محسوب می گردد که طی آن کودک اهمیت پوشش عورت و اجتناب از بدی وتوجه به نظافت را می آموزد، قبله را احترام می کند و قدسیت نام خدا را فرا می گیرد، با شیطان مخالفت در پیش می گیرد و محبت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را که به تمام زیبایی ها دعوتش کرده است یاد می گیرد، و به این ترتیب بر اساس حیا و ادب وحفظ حقوق انسان ها بزرگ می شود و پرورش می یابد. و چه بهتر است که در این سن و سال برای طفل آداب اسلامی قضای حاجت از قبیل دعای دخول بیت الخلا، داخل شدن به پای چپ و بیرون شدن از بیت الخلا به پای راست، عدم شاشیدن به صورت ایستاده، عدم توجه به قبله در اثنای قضای حاجت، شستن دست ها پس از قضای حاجت با صابون و... یاد، داده شود، تا به عدم شاشیدن در راه و ضرورت حفظ نظافت تشناب پی برد و قضای حاجت را به عنوان بزرگ ترین نعمت الهی که جسم آدمی را از ضررها و زیان ها رهایی می بخشد، تلقی کند.

ورود و خروج

و سرانجام لازم است هدایات و ارشادات پیامبر حتی در مسألهٔ ورود به خانه، مجلس وسایر اماکن و خروج از آن برای کودک آموختانده شود. زمانی که کودک می خواهد وارد خانه یی و مجلسی شود برایش بایست گفته شود که قبل از همه سلام بدهد و اجازه بگیرد و یا دروازه را به آهستگی بزند اگر اجازه اش دادند داخل شود وگرنه عقب کارش برود، و این نزاکت را حتی در مورد پدر و مادر و خواهر و برادرش نیز رعایت نماید و در کوچه و بازار که گشت و گذار می کند برایش فهمانده شود که کسی را مزاحمت نکند و در وقت قیلولهٔ چاشت، در ناوقت شب و صبح گاهان به دروازهٔ کسی نرود و باعث درد سر وی نشود.

شصت سال پس از ...

اما این نهضت نیز نتوانست تعادل خود را حفظ نماید و با پذیرش کیوبا به عضویت این نهضت، اصل عدم انسلاک را زیر سؤال برد. در دوران جنگ سرد تلاش اروپای شرقی برای نجات از چنگال آهنین شوروی به جایی نرسید. شورش های ضد کمونیستی، اول در پولیند و سپس در چکوسلواکی به وسیلهٔ ارتش سرخ سرکوب شد. هرچند امروز اروپای شرقی نیز پایان جنگ دوم جهانی را گرامی می دارد اما در کشورهای این بخش از اروپا پایان این جنگ و آغاز جنگ سرد آغاز مصیبت جدیدی بود که با استقرار کمونیسم به وجود آمد. آنها رژیم کمونیستی را ادامهٔ جنگ دوم تلقی کردند و نیم قرن تحت تسلط اتحاد شوروی از آزادی و استقلال محروم بودند. از جانب دیگر امریکا با کمک به باز سازی اروپای غربی از طریق پلان مارشال توانست تا قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی خود را در اروپا تقویت نماید. ترس از اتحاد شوروی و حملهٔ احتمالی آن کشور های اروپای غربی را به تبعیت از امریکا واداشته بود. در دوران جنگ سرد رقابت دو ابرقدرت برای دست یافتن به جنگ افزار های کشنده تر موجب گردید تا در زرادخانهٔ اتمی دو ابرقدرت به قدری جنگ افزار ذخیره گردد که هریک به تنهایی خود قادر به چندین بار نابود کردن کرهٔ زمین باشند اما با وجود این، هرساله با پیشرفت تکنولوژی سلاح های جدید جانشین سلاحهای کهنه می شد. در دورهٔ جنگ سرد هردو ابرقدرت سعی داشتند تا پای دیگری را به جنگ های منطقه یی بکشند و از این طریق حریف را تضعیف نمایند. شوروی در جنگ ویتنام این فرصت را به دست آورد اما امریکا از این جنگ جان سالم بدر برد. درمقابل در حمله به افغانستان، اتحاد شوروی آخرین اشتباه تاریخی خود را مرتکب شد. با شکست اتحاد شوروی در افغانستان، دوران اقتدار اتحاد شوروی در جهان به پایان رسید و این شکست سرانجام به فروپاشی این قطب انجامید.

معادلاتی که در پایان جنگ دوم جهانی به وجود آمده بود با فروپاشی اتحاد شوروی برهم خورد در حالی که افغان ها بعنوان پایان دهندگان اصلی جنگ سرد از آن بهره یی نبردند.

چگونه می توان از عیب های شخصیت خویش رهایی یافت؟

موانع بازسازی شخصیت

از منابع عربی

ترجمهٔ محمود الله فیروز

۱- بیماری

یکی از موانع بازسازی در شخصیت انسان، بیماری است و بسا از انسان ها تصور نمی کنند که بازسازی شخصیت انسان، قبل از هرچیز به صحت مندی وی پیوند دارد بدون شک ضعف جسمانی انسان و بیماری های عضوی و آزار دهنده، در وجود او توان مندی و صفایی اش را مختل می سازد، و انسان مبتلا به بیماری عضوی همواره در خود کمبود احساس می کند چنانچه رفتار و ضعف جسمانی انسان مبتلا به بیماری عضوی بر این مسأله، صحه می گذارد.

بنا بر این سلامتی جسم انسان ضامن تنظیم فکری و عصبی وی است و دانشمندان همواره می گویند که "عقل سلیم در بدن سالم است". بناءً اگر ما و شما اشخاص دارای چهرهٔ بشاش، قامت بلند، چشمان درخشان، موهای شفاف و... را ملاحظه نماییم غالباً اشخاص دارای اخلاق و رویهٔ نیکو و پسندیده می باشند ولی بعضاً کسانی هستند که بر از سر گیری رشد و نموی فکری شان موفق شده اند اما متأسفانه این کار بر روان شان تأثیری نکرده است.

چنانچه دانشمند روان شناس روسی تجربه یی علمی را بر تأثیر غده های کنترل کنندهٔ صحت در وجود انسان، بر رفتار و کردار وی انجام داد و پس از مشخص نمودن تأثیر هر غده بر شخصیت انسان، آنها را به (غده های شخصیت انسان) مسمی کرد و از این که سخن به درازا نینجامد به عنوان دلیل بر تحقیق دانشمند مذکور، باید یاد آور شد که افزایش مایع انسولین در وجود انسان منجر به تشویش های عصبی و کمبود تایروکسین سرانجام باعث سستی و کاهلی می گردد.

علی رغم این حقیقت، بعضی از دانشمندان روان شناس بیماری روانی انسان را متاثر از ناملایمات زندگی خود انسان می دانند و استدلال می کنند که اگر ما از اشخاص معتاد به بیماری تدخین بپرسیم که چرا به این عمل روی آورده یی، وی می گوید که پس از برهم خوردن وضع معیشتی ام ناچار به آن روی آوردم.

اما در این شکی نیست که هرگونه بیماری در وجود انسان باعث ترس، تشویش عصبی و احساساتی می گردد که ذهن انسان را کند و اعصابش را خسته می سازد و صراحتاً باید گفت که منظم بودن حرکات و رفتار انسان به منظم بودن روان آن مرتبط است و هرگاه روان انسان خسته شود و یا از رشد بازماند در این جاست که بازسازی شخصیت انسان بی اساس می باشد و این حقیقت دارد که باید هر انسان آن را درک کند تا به اسلوب بازسازی شخصیت خود آشنایی یابد.

لازم به گفتن است که میان بیماری روانی و عضوی پیوندی وجود دارد و نیز خستگی و نا منظم بودن روان، اعضای جسمانی انسان را دچار آشفتگی می سازد که مشهور ترین عضو در انسان معده است که عامل عمدهٔ آشفتگی این عضو خستگی روان می باشد همان گونه که دردمند شدن هر عضو، بر حالت مزاجی و سلوکی انسان تأثیر منفی دارد.

دوستان باید بدانند که بیماری یکی از مزمن ترین و مخرب وزن و تکامل شخصیت انسان است که هرکس باید به آن خود را آگاه سازد و به مجرد ظاهر شدن بیماری در خویش به وقایه و درمان آن اقدام نماید و تا حدی که می تواند از اسباب تشویش های روانی و روحی دوری گزیند و خود را معتاد به یک زندگی طبیعی ومعتدل سازد.

۲- ضعف اراده

همچنان از عیب های موجود در شخصیت انسان که [illegible] ضعف اراده [illegible] است و دارندهٔ این عیب، همواره می خواهد بر عیب هایش موفق گردد و تغییر کند اما نمی تواند و نیز قوت اراده در وجود هر انسان فرق می کند وانسان دارای ارادهٔ قوی در بازسازی شخصیت خود موفق می باشد. اما اراده یی را که لازم است انسان به نیروی آن افزایش دهد تا به اصلاح عیب هایش موفق شود غیر از نیرویی است که شخص، زیر فشار آن در اوقات معین مشغول می باشد، بل آن یک نیروی عظیمی است که دارنده اش می تواند در راه رسیدن به اهدافی که به آن ها میل دارد، تلاش بورزد. و هرگز انسان دارای ارادهٔ ضعیف به بازسازی شخصیتش اقدام کرده نمی تواند . بناءً بر هر انسان لازم است که نخست به تقویهٔ اراده اش بپردازد و نیرو بخشیدن به اراده اش، وی را به اصلاح عیب هایش قادر می سازد. به این اساس اراده را می توانیم به یک وظیفهٔ سایکولوژیک تعبیر نماییم که به انسان برنامه می دهد و با او همراه می باشد و همچنان اراده را به قدرتی غالب شونده بر ناملایماتی که سد راه قرار می گیرد، مبدل می سازد.

در بارهٔ عامل نیروزایی که یار دهندهٔ انسان در راه به دست آوردن اهدافش باشد، دبستان های روان شناسی معاصر اختلاف نموده اند. به طور مثال، دبستان سلوکی نقش اراده را در بازسازی شخصیت انسان نفی می کند و به عقیدهٔ کارگزاران این مکتب اقدام به کاری ویا صرف نظر نمودن از کاری با جوسازی به دست می آید. ولی تنها به جوسازی [illegible]

همان اندازه قبول کردن زحمت و تمرین کردن ها مؤثر واقع می شود و همچنان صحت مندی انسان نیز عامل نیرو بخش بر ارادهٔ انسان است همان گونه که نمی توان از تأثیر آن در اعتماد به خویش چشم پوشید.

بهترین مجالی که انسان بتواند از نیروی اراده اش استفاده کند، تغییر عادت است و عادت، هر آن عملی را می گویند که بدون مداخلهٔ اراده تکرار می شود ولی تغییر و رهایی از عادت های ناپسند کاری آسان نیست و این کار توأم با کوشش خستگی ناپذیر است و هرگاه انسان دارای ارادهٔ قوی به تغییر عادتش اقدام نماید، کامیاب است و موفقیت در تغییر عادت حتماً موفقیت در بازسازی شخصیت انسان تلقی می گردد به شرط این که انسان آرزو داشته باشد که عادت های پسندیده و نیکو را جاگزین عادت های نکوهیده و ناپسند کند. به طور مثال وقت بیدار شدن از خواب، به جای این که نا وقت بیدار شود و همچنان ترک عادت سگرت قبل از صبحانه خوردن و به مجرد این که از خواب برخاست به جای این که سگرت بنوشد یک گیلاس آب میوه بنوشد و از سگرت نوشیدن به کلی اجتناب ورزد. البته راه هایی نیز وجود دارد که باید انسان جهت نیرو بخشیدن به اراده اش، به آنها توسل جوید که عبارتند از دانستن نقاط قوت و ضعف در خویشتن، توجه به صحت مندی، از همه اول تر اقدام به کارهای آسان، افزایش دادن نیروی اراده در شخصیت خویش، تلاش در راه رسیدن به اهداف خودش بدون خواستن از دیگران، تعیین نمودن برنامه های مشخص، سعی ورزیدن به رقابت، تمرین نمودن اراده در میدان های عملی. و انسان باید هر روز در اوقات مختلف با خود بیندیشد که از اقدامش تا کنون چه نتایجی را به دست آورده است. اگر انسان خود را بر اسلوب های مذکره پای بند بسازد، بدون شک به نتایجی بهتر دسترسی پیدا می کند و به یاد داشته باشد تا زمانی که انسان دارای ارادهٔ قوی و تصمیم قاطع نباشد هرگز به [illegible]

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۷ چهارشنبه ۲۱ ثور ۱۳۸۴ ۲ ربیع الثانی ۱۴۲۶ – 11May 2005

حضرت صبغت الله مجددی:

سیاست روز به روز تغییر می کند

حضرت صبغت الله مجددی رئیس کمیسیون ملی تحکیم صلح از تمامی مخالفان دولت به شمول ملا محمد عمر، رهبر گروه طالبان و گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی خواست به افغانستان برگردند و در روند تحکیم صلح در این کشور مؤثر باشند.

آقای مجددی در حالی چنین تقاضایی را از ملا محمد عمر و حکمتیار به عمل می آورد که آنها عملاً در جنگ علیه نیروهای ائتلاف و نیروهای دولت اشتراک دارند. به گفتهٔ آقای مجددی فراخوان او از حکمتیار و ملا محمد عمر در توافق با دولت و نیروهای خارجی صورت گرفته است.

آقای مجددی گفت: تا به حال در این زمینه با آنان تماسی نداشته است.

قبل بر این آقای حامد کرزی خواهان محاکمهٔ جنایتکاران جنگی در افغانستان شده بود. اما آقای مجددی گفت: اکنون زمان بحث روی مسألهٔ محاکمهٔ جنایتکاران نیست.



صبغت الله مجددی در پاسخ به این سوال که دولت همیشه گفته است که حکمتیار و ملا محمد عمر افراد غیر قابل بخشش هستند، گفت که اکنون سیاست تغییر کرده است. مسألهٔ حکمتیار و ملا عمر را اگر دولت اعلان کرده سیاست چند وقت پیش بود، سیاست ها روز به روز تغییر می کند. وی گفت: کمیسیونی را که من رهبری آن را قبول کرده ام مستقل و ملی است و بدون مداخلهٔ دولت کار خواهد کرد.

مجلس بزرگ مشورتی حضور نیروهای ائتلاف و ...

وسپس توسط آقای وزیر داخله اعلام شد که به دلیل تنگی وقت نمی شود که برای همه علاقمندان فرصت سخن گفتن داد لهذا برای یک نفر از هر ولایت ۲ دقیقه وقت داده می شود تا به نمایندگی از مردم آن ولایات دربارهٔ این مسائل ابراز نظر کند.

اقای کرزی سخنانش را این گونه اغاز کرد که مجلس امروز ما یک مجلس مشوره است، مجلس تصمیم گیری و فیصله نیست پس از تشکیل پارلمان مردم در شورای ملی تصمیم می گیرند که مؤسسات بین المللی و ناتو و همچنان آمریکا به همکاری های شان به افغانستان ادامه بدهند یا نه؟

آقای کرزی ادامه داد که مسائل قابل مشوره در این مجلس ادامهٔ کار یوناما و حضور نیروهای نظامی ائتلاف بین المللی و ناتو در افغانستان است.

آقای کرزی در سخنرانی خود این مسأله را مطرح کرد که نیاز برای حضور نیروهای نظامی در افغانستان هنوز باقی است. وی گفت: برای مدت درازی این نیروها در افغانستان بمانند و از روند ثبات وصلح کنونی که در این کشور ایجاد شده است، حمایت کنند.

استاد سیاف در سخنرانی خود در مورد حضور نیروهای نظامی در افغانستان گفت: نیروها نظامی که در افغانستان حضور دارند باید سرانجام جای شانرا به اردوی ملی افغانستان بدهند و اردوی ملی باید توسط خود افغانها تکمیل و تربیه شود.

وی گفت: ما حالا برای هر سرباز شبی شش دلار مصرف می کنیم. اگر نیروهای خارجی بروند ما نمی توانیم این کمک را به سربازان خود انجام دهیم. بنا بر این در دومین شب سربازان را باید رخصت کنیم. پیر سید احمد گیلانی گفت: در شرایط فعلی نیاز به کمک های جامعهٔ جهانی در همه عرصه ها به خصوص در عرصهٔ امنیت موضوعی است که باید در مورد آن مشورت های بیشتری صورت گیرد. چنین تصمیم گیری ها در پارلمان آینده باید مطرح شود.

آقای قانونی و آقای محقق در سخنرانی های شان از آقای کرزی تشکر نمودند که همچو یک جلسهٔ مشورتی را برپا داشته و از نمایندگان مردم خواسته است که در پیرامون مسائل عمدهٔ ملی مشوره بدهند. آقای قانونی این مسأله را مطرح کرد که تعهد جامعهٔ بین المللی در افغانستان عرصهٔ دوم کمک های اقتصادی و ادامهٔ تعهد جامعهٔ بین المللی در بازسازی و دفاع از چیزی است که نیاز آن را همه حس و درک می کنند. آقای قانونی گفت: وظیفهٔ پارلمان است که در زمینهٔ بسیار مهم و حساس تصمیم بگیرد. پارلمان افغانستان و مردم افغانستان حق شناس اند و آنها جد و جهد جامعهٔ بین المللی را در مسألهٔ حضور نظامی در افغانستان نادیده نخواهند گرفت طبعاً نیازش را مردم افغانستان و جامعهٔ جهانی هم درک می کنند.

اقای محقق در سخنانش گفت: جهان برای این که از خود دفاع کند ناگزیر است که از افغانستان دفاع کند و جلو تروریزم را بگیرد. وی گفت که حضور نیروهای نظامی ناتو و امریکا به فیصلهٔ شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان می باشد، بنا بر این یک حضور قانونی و مشروع است و بر اساس فیصله های بن است و پارلمان آیندهٔ افغانستان مصلحت کشور را خواهد سنجید که وجود این نیروها برای چند سال دیگر، برای پنج سال، ده سال و مدت های دیگر را پارلمان باید تأیید نماید که برای چه مدتی این نیروها در افغانستان حضورداشته باشند.

اکثریت سخنرانان بر ادامهٔ همکاری های اقتصادی و سیاسی جامعهٔ جهانی با افغانستان به ویژه ملل متحد و کشور آمریکا تأکید ورزیدند اما مسألهٔ ادامهٔ حضور نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان را به تشکیل پارلمان آیندهٔ کشور واگذار نمودند و تصمیم گرفتن در این زمینه را از صلاحیت این مجلس بیرون دانستند. برخی از سخنرانان از جمله آقای محقق گفتند که تا تشکیل پارلمان رئیس جمهور صلاحیت دارد که در این زمینه خودش اقدام کند.

بسیاری از شرکت کنندگان در این مجلس از اجندای جلسه اطلاع نداشتند و آنچه دربارهٔ مسائل مورد بحث مجلس پیش از شروع کار آن می گفتند همه برپایهٔ هوس و تحلیل خودشان استوار بود چون ایشان یک روز پیش بدون اشارتی به محتوای مجلس به کابل فرا خوانده شده بودند حتی نمایندگان برخی از ولایات مانند هرات در ساعات اخیر مجلس رسیدند، لذا بسیاری از شرکت کنندگان بر نحوهٔ برگزاری این مجلس اعتراض داشتند ومی گفتند که یک چنین مجالس نباید به این شتابزدگی و ابهام برگزار گردد.

در این مجلس به جز استاد ربانی تقریباً همهٔ رهبران سیاسی افغانستان حضور داشتند. از آقای جلالی از عدم حضور استاد در این جلسه پرسیده شد وی گفت که استاد در خارج از کشور هستند، وقتی از خود استاد سؤال شد که شما چرا در این مجلس اشتراک نکردید؟ گفتند: چون این مجلس یک مجلس مشورتی در زمینهٔ ادامهٔ حضور نیروهای ائتلاف بین المللی و ناتو ونحوهٔ همکاری های استراتژیک آنها با افغانستان بوده است نه یک مجلس تصمیم گیری و ما از پیش نظرات خود را در این زمینه ها برای رئیس جمهور گفته بودیم.

حزب حاکم مسلم لیگ در پاکستان و بحران دیگر درون حزبی

فقیری

کشور همسایهٔ ما پاکستان به سان اکثر کشورهای جهان سوم و حتی پیشرفته، کشوری است که عروج و افول احزاب و رجال سیاسی با حاکمیت و قدرت دولتی پیوند محکم و ناگسستنی دارد.

حزب حاکم مسلم لیگ یکی از نمونه های بارز این واقعیت است.

پس از انتخابات غیر حزبی سال ۱۹۸۵ مرحوم ژنرال ضیاء الحق، مرحوم محمدخان جونیجو را برای پست صدارت عظمی برگزید و او درین گزینش یک هدف عمده داشت و آن این که پس از عدم ذوالفقار علی بوتو که از اهالی سند بود، باید کسی را از آن ایالت به این سمت انتخاب نماید تا خشم و یا نا رضایتی مردم آن سامان فروکش نماید چون سند پایگاه اصلی و اساسی حزب مردم پاکستان به رهبری بوتو بود و هست.

جونیجو رهبری حزب قدیمی مسلم لیگ را به نام "پاکستان مسلم لیگ" به عهده گرفت وچند فراکسیون، قدیمی از بدنهٔ حزب به دور ماندند. در سال ۱۹۸۸ با پایان حکومت جونیجو، دوران افول این حزب نیز آغاز گردید و بالاخره در صدارت نواز شریف دوباره جان و قوت گرفت. با کودتای ژنرال مشرف و سقوط حکومت نواز شریف، حزب مسلم لیگ دوباره با آزمون دیگر مواجه شد و تعداد زیادی از اراکین این حزب به نظام مشرف پیوستند و وزیر شدند و در مرحلهٔ نخست میا محمد اظهر را ـ به جای نواز شریف ـ به حیث رهبر برگزیدند و در کوتاه ترین فرصت او را با چوهدری شجاعت حسین تعویض نمودند. پس از انتخابات میر ظفر الله جمالی از بلوچستان را نامزد صدارت نمودند ولی با آنهم ریاست با شجاعت حسین بود وپس از استعفای مرموز جمالی، خود چوهدری شجاعت به صدارت کوتاه مدت رسید و از آن پس شوکت عزیز صدر اعظم شد که ماجرای آن در هفته نامهٔ مجاهد ـ در سال گذشته ـ به نشر رسیده است.

کنار رفتن جمالی بسیار آرام وبی سر و صدا بود و تعجب همگان را برانگیخته بود. بالآخره تلاش هایی صورت گرفت تا همه فراکسیون های مسلم لیگ با هم متحد شوند و با اتحاد و ادغام جناح های پیر پگارا گروپ جونیجو، گروپ ضیاء الحق و حتی حزب اتحاد ملی به رهبری فاروق احمد خان لغاری (رئیس جمهور سابق) در حزب مسلم لیگ، این حزب به نام حزب متحد مسلم لیگ به رهبری چوهدری شجاعت حسین ظاهراً وحدت از دست رفته را دوباره بازیافت وحتی یکی از شخصیت های معروف و از اراکین عمدهٔ حزب مردم و رئیس جمهور سابق را نیز با خود یکجا ساخت.

ولی در ضیافت شامی که در منزل یاسین وتو یکی از اراکین و سابقه داران مسلم لیگ در پنجاب، شام پنجشنبه گذشته برگزار شده بود و رهبران جناح های یاد شده در آن شرکت داشتند، اختلافات قدیمی تازه گردید و در مورد رهبری چوهدری شجاعت و شایستگی او حرف هایی گفته شد. چوهدری در مورد میرظفر الله جمالی گفته بود که او دیگر با مسلم لیگ رابطه ندارد و جمالی گفت که از سال ۱۹۳۱ خانوادهٔ او با مسلم لیگ بوده است وکسی نمی تواند او را از مسلم لیگ شامل و یا از آن خارج نماید. سلیم سیف الله خان یکی از اراکین مسلم لیگ از ایالت سرحد، جانب جمالی را گرفته و دیگران هنوز نمی دانند چه بگویند!!

بهٔ همه حال، ادامهٔ این وضع احتمال دارد که به بحران مدیریت و رهبری در مسلم لیگ منجر گردد و ما در روزهای آینده شاهد آشفتگی بیشتر بازار سیاست در کشور همسایهٔ خویش خواهیم بود.